

از اول سال تا آخر سال این مخارج جزء را می آورند و ما تصویب میکنیم يك مرتبه جمع می شود می بینیم يك تناقض ما بین بودجه مصوب با آنچه که بتدریج تصویب کرده ایم

حاصل می شود و ثانیاً بنده عرض میکنم که اگر چنانچه این خرجی که وزارت مالیه قائل شده مطابق قانون استخدام است دیگر چه احتیاجی بتصویب مجلس دارد همان وزارت مالیه مطابق قانون استخدام خودشان تعیین کنند و بپردازند و جزء بودجه مملکتی بعد بیاورند بمجلس و تصویب هم خواهد شد و اگر نیست بهتر این است قانون استخدامی که منحصر برای این موارد تصویب شده و تقریباً سالی دو کروم ملت ایران خسارت بجهت اجرای این قانون می دهد که بلکه ازین شرور هاراحت شود پس این قانون را الغاء کنید!

و بنده هیچ دلیلی برایش نمی بینم. هر چه مطابق قانون است که قانونی است و هر چه هم مطابق قانون نیست در تحت عنوان فقر است، ضعیفست، سابقه دارد، چه هست يك لایحه علیحده می آورند و ما هم باید تصویب کنیم. بنده این شخص را نمی شناسم کیست و چیست فقیر است یا نه، هر هست مستحق زیاد است

ولی ما نیامده ایم اینجا بنشینیم و بولی را که از مردم فقیرتری می گیریم بمردم فقیر بدهیم سابقاً هم عرض کردم. اینجا مجلس اخلاقی نیست اینجا ما یک بولی می گیریم از مجرای معین که بمجرای معین هم خرج کنیم.

معاون وزارت مالیه - آقای کازرونی توجه دارند باینکه در اینجا که تشریف دارند برای این است که اجر و پاداش خادمین و کسانی را که بدست خدمت کرده اند در يك مقام معینی تحکیم کنند و ضمناً جزای خائنین را هم بدهند و آنها را تعقیب بفرمایند.

این دواصل است که برای مستخدمین دولت باعث تشویق است مرحوم میرزا محمد علیخان سهرابزاده هم مشمول یکی ازین دواصل است.

سأله است در وزارتخانه ها خدمت کرده و این او را از میان رفته است يك عده اولاد و بازماندگان او هستند بدون هیچ وسیله.

اگر قانون استخدام اجازه می داد چنانچه نسبت بدیگران اجازه داده يك حقوتی بموجب قانون استخدام بر قرار کنند

البته احتیاج بتصویب مجلس نبود ولی این هم خودش یکی از تقصیر هائیکست که در قانون استخدام احساس شده است و شاید هم موقع آن برسد که اصلاح آن تقاضا شود و استدعا شود که توجهی

این مسئله بخصوص بکنند که مستخدمین که سالها بدستکاری و یا کی خدمت میکنند و پس از سالها خدمت یاد رحین خدمت اداری خودشان از بین میروند یا مقتول می شوند اولاد و ورثه آنها بی چیز میمانند زیرا که پدر آنها یا ولی آنها، نان آور آنها کسی بوده است که بیا کی و درستی خدمت کرده و اندوخته برای آنها نگذاشته

و البته وظیفه دولتست که رعایت حال بازماندگان آنها را بنماید و مجلس هم بهیچوقت مضایقه نخواهد کرد که بازماندگان آنها را رعایت کند و این هائیکی از آنها است که وزارت مالیه رعایت این ملاحظات را کرده و پیشنهاد کرده و آنچه هم که اینجا گذاشته شده از حدود بودجه خرج مملکتی متجاوز نیست

البته این قبیل لوایح هر وقت با موافقت وزارت مالیه بمجلس بیاید باید اطمینان داشت که کمالات رعایت شده است که از حدود بودجه مملکتی تجاوز نکند

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است رئیس - مذاکرات کافی است بعضی از نمایندگان - بلی کافی است

رئیس - رأی گرفته می شود آقایانی که ماده واحده را تصویب می کنند ورقه سفید والا کبود خواهند داد:

(اخذ واستخراج آراء بعمل آمده نتیجه بقراردیل حاصل شد) ورقه سفید علامت قبول (۷۶) ورقه کبود علامت رد (۱)

رئیس - عده حاضر نود و پنج، باهفتاد و شش رأی تصویب شد

اسامی موافقین: آقایان آقا میرزا احمدخان اخگر، آقا میرزا رضاخان افشار آقا میرزا سید احمد احتشام، آقا شیخ هادی، شیخ رئیس.

امیر حشمت، آقا سید حسن اجاق آقا شیخ جلال الدین، محمدولی میرزا، سیف الله خان، اسکندری، آقا میرزا حسین خان علائی.

سالار اشرف، آقا سید حسن مدرس امین الشریعه - سالار لشکر، ضیاء الملک، آقا میرزاهاشم آشتیانی، آقا سید مصطفی بهجانی.

سردار نصرت، امیر احتشام، ملک - الشعراء - اقبال الممالک، معاضد السلطنه مدیرالدوله، رهنما، اعتبارالدوله - مستوفی الممالک، مشیرالدوله قوامالدوله، حاج آقا اسمعیل.

حاجی مشیر اعظم، محمد هاشم میرزا نظم الملک عظیمی - آقا میرزا علی اکبرخان داور، معظم السلطان - آقا سید حسن کاشانی رئیس التجار، سردار مختصر، مصدق الملک

آقا میرزا عبدالله خان معتمد، عماد السلطنه طباطبائی ارباب کیخسرو - فتح الله میرزا هرمزی سهراب خان - حاج میرزا رضا شریعتمدار نظام التولیه، آقا سید محمد علی شوشتری دکتر آقایان، صدر الاسلام، یمن الملک، صدق السلطنه

ملک آراء، شیروانی، آقا میرزا محمد نجات، ضیاء الواعظین سردار معتمد، شیخ الاسلام ملا یری - ضیاء الاطباء - دکتر امیر - خان اعلم حاج سید المحققین - غلام حسین میرزا حاج میرزا محمد رضا، دست غیب، حاج شیخ عبدالرحمن، سهام سلطان، آقا میرزا محمد حسین صدرائی.

آقا میرزا سلیم خان ایزدی، دکتر احیاء السلطنه مدیر الملک سهرابزاده آقا سید محمد تدین، آقا میرزا احمد شریعتمداره آقا میرزا سید الله خان، وحیدالدوله، صدر العلماء.

مفتی - دیوان بگی، آقا میرزا آقا خان - کی استوان مخالف - آقای مساوات.

رئیس - آقای کازرونی پیش نهاد کرده اند جلسه ختم شود

جمعی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - جلسه آینه سه شنبه دستور رانم عرض می کنم بعد هر طور صلاح دانستند پیشنهاد بفرمائید

اولاً خبر کمیسیون بودجه راجع با استخدام مستخدمین امریکائی ثانیاً قندوشکر

ثالثاً خبر کمیسیون بودجه راجع به ورثه مرحوم میرزا اسحق خان رهبر

جمعی از نمایندگان - صحیح است

وزیر مالیه - عرض بنده راجع بلائجه قندوشکر بود که آقای رئیس فرمودند که جز در دستور جلسه آتی است و عرض ثانیم راجع بلائجه اعتبار موقتی اردیبهشت است که این را هم تقدیم می کنم

(مجلس مقارن ظهر ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی حسین پیرنیا منشی - م شهاب منشی - دکتر احتشام طباطبائی

جلسه یکصد و شصت و هشتم صورت مشروح

مجلس یوم سه شنبه بیست و نهم اردیبهشت ۱۳۰۲

مطابق بیست و پنجم شوال ۱۳۴۳

مجلس تقریباً سه ساعت قبل از ظهر بر ریاست آقای آقا میرزا حسینخان پیرنیا تشکیل گردید صورت مجلس یکشنبه بیست و هفتم اردیبهشت را آقای آقا شیخ هادی یزدی قرائت نمودند رئیس - آقای روحی

(اجازه) روحی - عرض ندارم رئیس - آقای میرزائی (اجازه) میرزائی - قبل از دستور عرض دارم

رئیس - آقای دکتر آقایان (اجازه) دکتر آقایان - بنده هم قبل از دستور عرض دارم

رئیس - آقای عظیمی (اجازه) عظیمی - در دستور عرض ندارم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه) آقا سید یعقوب - خواستم عرض کنم کلمه سردار فاخر در صورت جلسه درست شود

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه) حائریزاده - آقای زعیم راغاب

بی اجازه نوشته اند در صورتیکه مریش بوده اند و توسط بنده شرحی نوشته بودند تقدیم مقام ریاست کردم

رئیس - مراجعه شده است به کمیسیون، آقای ضیاء الواعظین (اجازه) ضیاء الواعظین - در دستور عرض دارم

رئیس - نسبت بصورت مجلس ایراد نیست؟

(گفته شد خیر) رئیس - آقای میرزائی (اجازه) میرزائی - در چند جلسه قبل از

طرف یکی از آقایان نمایندگان محترم راجع بقضایای تر که آنها سئوالی از وزارت داخله شد و وعده دادند که راپورت اقدامات بعرض مجلس شورای ملی برسانند و از آن موضوع قشون ایرانهم بحمدالله فتوحانی کرده اند.

تقاضا میکنم از طرف مقام ریاست وزارت داخله اخطار شود اقدامات و عمل خودشانرا بعرض مجلس برسانند تا آقایان نمایندگان مطلع شوند

رئیس - آقای دکتر آقایان (اجازه) دکتر آقایان - خاطر محترم آقایان

متذکر است که بهترین راه مملکت راهی است که نقاط دور دست مملکت بیک که دریای آزادی وصل میکند

فلسفه این مسئله هم خیلی ساده است و دلایل این است که دریای آزاد همیشه رقابت تجارتهای است

بنابراین جنس راهم بهتر میشود و هم بهتر میشود فروخت

بنابراین جنس راهم بهتر میشود و هم بهتر میشود فروخت

پیشانی قسمت مرکزی مملکت ما از نظر فقر اقتصادی قابل توجه فوق العاده است و تمام آقایان میدانند که قسمت مرکزی این مملکت متناسب قسمت‌هایی که نزدیک سرحدات هستند و ایشان تراست در سه چهار روز قبل از این حکومت نظامی شهر تهران اعلان کرده بود که راه اهواز بخرم آباد برود باز است و تجار می‌توانند با کمال آسودگی از این راه استفاده کنند این راه نزدیکترین راه فلات ایران قسمت مرکزی ایرانست بدریای آزاد یعنی خلیج فارس.

برای اینکه خاطر آقایان کاملاً مسبوق شود که از نداشتن یک راه نزدیک خلیج فارس مملکت هزار ساله چه باجی بخارجه میدهد بنده یک احصائیه هائی جمع کرده‌ام که حالا بعرض آقایان می‌رسانم.

بمذات تشکیل دولت بین شهرین هر ساله ما از بابت حق ترزیت یعنی حق عبور جنس که از ایران رو بخارج می‌رود یا از خارج رو بایران می‌آید سالیانه چهار میلیون و نیم الی پنج میلیون روسیه بدولت عراق باج میدهم و تقریباً همینقدر هم منافع تجاری تجار عراق است که از اهل این مملکت و از تجارت این مملکت حق العمل میگیرند و حمال مزد حملایش را میگیرد.

بنابر این رویه هر هفته این شش هفت کرور تومان سالیانه برای این مملکت تمام می‌شود صرف نظر از اینکه از حیث راه آهنی که در عراق ساخته شده و حمل و نقل جنس میکند نسبت باجناس ایران چه آن جنس که از ایران خارج میشود و چه آن جنس که رو بایران می‌آید بطور غیر مستقیم یک اجزائی میشود.

آقایان میدانند هر راه آهنی از روی کیلومتر یا فرسخ یک حقی دارد حقی که برای هر فرسخ بین بصره و بغداد باید داده شود کمتر از حقی است که بین بغداد و خانقین داده میشود چرا؟ برای اینکه رو بایران می‌آید و یا از طرف ایران می‌رود.

این باج ثانویست که از ما میگیرند که آنرا هم اگر تصور کنیم یک کرور تومان باشد سالیانه هفت کرور هشت کرور تومان ما باج نداشتن راهی که نزدیک بخلیج فارس باشد و مال خودمان باشد میدهم. باز شدن راه خرم آباد یکی از بزرگترین موفقیت هائی است که در این ده پانزده ساله اخیر دولت ایران پیدا کرده است و یک قضیه حیاتی است و ما باید در نظر داشته باشیم که با آنکه امروزه قسمت عمده این راه شوسه نیست.

و مکاری هم هنوز جرأت رفتن این راه را ندارد.

معدک یک خروار بار از اهواز بار

کرده‌اند و آورده‌اند بعراق و کرایه اش بیست و پنج تومان شده یعنی اگر اهواز بطهران را حساب کنید یک خروار بارسی و پنج تومان میشود.

در صورتی که وقتی این جنس را بخواهیم باهواز یا مخمره بفرستیم یا از راه بوشهر یا از راه بغداد خرواری هفتاد و پنج تومان برای ما تمام میشود و از آنجائی که مملکت ما جنس که بخارج میفرستد مواد خام است یعنی یک موادی که نمی‌تواند تاب کرایه زیاد داشته باشد.

بنابر این ساختن این راه برای مملکت یک قضیه حیاتی است و حالا که آقای وزیر فواید عامه پیشنهادی برای تعمیر و ساختمان راه کرده‌اند و بنده قطع دارم که آقای وزیر فواید عامه و همینطور هست دولت کاملاً اهمیت این راه را درک میکنند.

بنده میخواستم استدعا کنم تدکری بدولت داده شود که هر چه زودتر لایحه ساختمان این راه را که نزدیکترین راه به دریا است تهیه کنند و بمجلس تقدیم نمایند.

وزیر فواید عامه - آقا در یک مقصودیکه حاصل شده بود بیاناتی فرمودند زیرا که سه ماه قبل از این در یک کمیسیون که در مجلس بنام کمیسیون اقتصادیات تشکیل شده بود مخصوصاً در باب ساختمان راههای اصلی مذاکره شد و یکی از راه هائی که باید طرف توجه واقع شود همان راهی است که ایشان ذکر کردند ولی با مجهز بودن اهمیت این راه و سایر راهها ساختن آنها فرع داشتن پول است.

هر وقت یک محل هائی پیدا شد که مخارج ساختمان راهرا تأمین کند فوراً شروع بساختن خواهد شد.

رئیس - وارد دستور بشویم؟
(گفتند بلی)

وزیر فواید عامه - نظر باینکه راپورت راجع بمستغدمین امریکائی هنوز حاضر نیست از طرف دولت از مجلس شورای ملی استدها میکنم لایحه راجع به انحصار قند و چای را مقدم بدارند.
رئیس - چند فقره خبر از کمیسیون هریض و مرخصی رسیده و مدتی است در جزو دوسیه است چون اواخر مجلس عمده برای رأی گرفتن کافی نمیشود و اگر اجازه میدهید حالا رأی گرفته شود.

جمعی از نمایندگان - صحیح است.

(شرح ذیل خوانده شد)

۱- آقای مدرس نماینده محترم برای رفع خستگی از اول خرداد ما تا پانزده روز اجازه مرخصی خواسته بودند.

کمیسیون تقاضای ایشان را بی مورد ندانسته تصویب مینماید.

رئیس - آقایانی که مرخصی پانزده روزه آقای مدرس را تصویب می‌کنند قیام فرمایند.

قیام فرمایند.

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد. راپورت دیگر

۲- آقای تقی زاده نماینده محترم برای انجام امور خانوادگی سه هفته اجازه کمیسیون عذر ایشان را موجه دانسته

از تاریخ بیستم اردی بهشت ماه تادهم خرداد ماه مرخصی آقای تقی زاده را تصویب مینماید.

رئیس - آقایانی که مفاد این خبر را تصویب میکنند قیام فرمایند.
(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد
۳- شاهزاده محمد ولی میرزا نماینده محترم بر حسب تجویز طبیب برای استعلاج از پانزدهم خرداد ماه تا پنجاه روز اجازه مرخصی خواسته‌اند و حقوق مدت غیبت خودشان را برای خریداری ادویه توسط شیروخورشید سرخ جهت بلوکات آذربایجان تخصیص داده‌اند.

کمیسیون تقاضای ایشان را موجه دانسته تصویب مینماید.

رئیس - آقای محمد ولی میرزا (اجازه)

محمد ولی میرزا - خواستم عرض کنم از پانزدهم خرداد نوشته شود

رئیس - همینطور هم نوشته شده است و آقایانی که مرخصی پنجاه روزه آقای محمد ولی میرزا را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب نمایندگان قیام کردند)
رئیس - تصویب شد

۴- آقای سید محمد علی شوشتری نماینده محترم بواسطه کسالت مزاج از مجلس شورای ملی استدهای اجازه چهل و پنج روز مرخصی نموده‌اند که تاریخ مدت از روز حرکت محسوب شود.

کمیسیون تقاضای ایشان را موجه دانسته تصویب مینماید.

رئیس - آقایان موافقین با مرخصی چهل و پنج روز آقای شوشتری قیام فرمایند.

(عمده کشیری قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد.

۵- آقای آقا سید کاظم یزدی نماینده محترم برای انجام امور مهمه شخصی استعجاز مرخص و حرکت بیزد نموده‌اند و تقاضا کرده که از تاریخ ۱۲ اودیهشت ماه تا دو ماه ایشانرا غائب با اجازه بنویسند

کمیسیون عذر ایشانرا موجه دانسته مرخصی دو ماهه آقای آقا سید کاظم را تصویب می‌نماید.

رئیس - آقایانیکه مرخصی دو ماهه آقای آقا سید کاظم را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند)

قیام فرمایند.

رئیس - تصویب شد. آقای عظیمی پیشنهاد کردند که راپورت کمیسیون بودجه راجع بورته مرحوم رهبر جزو دستور در درجه اول باشد.

وزیر فواید عامه - البته عقیده بنده در اینجا سندیست ولی چیزی بیکه هست تأخیر تصویب لایحه قند طور بست که باعث از بین رفتن عایدات یکساله خواهد شد چون تجار مقادیر زیادی همه روزه وارد میکنند و انبار میکنند و تأخیر این مسئله سبب خواهد شد که عایدات یکساله از بین برود.

حالا اگر این قضیه یک مدت قلیلی را اشغال خواهد کرد عیبی ندارد ولی اگر معطلی دارد لایحه قند مقدم است.

رئیس - آقایانی که تقاضای آقای عظیمی را تصویب می‌کنند قیام فرمایند.

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد
(راپورت مزبور بشرح ذیل قرائت شد)

ماده واحده - مجلس شورای ملی بیاس خدمات مرحوم میرزا اسحق خان رهبر در وزارت امور خارجه تصویب مینماید از تاریخ فوت آن مرحوم ماهی یکصد و سی تومان شهریه که سالیانه بمبلغ یک هزار و پانصد و شصت تومان بالغ است بشرح ذیل

امیرخان پسر - تا سن بیست سالگی ۱۵ تومان

منوچهرخان پسر - تا سن ۲۰ سالگی ۱۵ تومان

حسینخان پسر - تا سن ۲۰ سالگی ۱۵ تومان

حسنخان پسر - تا سن ۲۰ سالگی ۱۵ تومان

عباسخان پسر - تا سن ۲۰ سالگی ۱۵ تومان

اختر خانم دختر - تا زمانیکه شوهر اختیار نکرده ۱۵ تومان

مهین خانم دختر تا زمانیکه شوهر اختیار نکرده ۱۵ تومان

ربا خانم عیال تا زمانیکه شوهر اختیار نکرده ۲۵ تومان

جمع ۱۳۰ تومان
بورته آن مرحوم از اعتبار بودجه وزارت امور خارجه پرداخت گردد

رئیس - آقای معتمد السلطنه (اجازه)
معتمد السلطنه - بنده موافقم
رئیس - آقای کازرونی (اجازه)
کازرونی - بنده خیلی متأسفم که بایستی خودم را در مقابل اشخاص و ادار بمخالفت بکنم مثل اینکه نظر شخصی مردم دارم.

بعضی از نمایندگان - صحیح است
کازرونی - بلی صحیح است و صحیح است و صحیح است. مکرر فرمایند

آقایانی که در دوره چهارم بشرف رفاقتشان مفتخر بودم اطلاع دارم که بنده هیچ نظر شخصی باشخاص ندارم و این آقا را هم باسم یا برسم یا بصفت نیشناسم فقط بنده در کلیات يك نظریاتی دارم بعرض مجلس میرسانم اگر ترتیب اثری برعریض بنده داده شد.

فیهما والا بعقیده خودم ادای يك تكلیفی کرده‌ام.

البته پس از آنکه بنده مخالفت کردم در مقابل بنده آقای مغیرا اظهار کرده والا انهم عیالانش مستحق ومستاصل ویریشان ومستوجب رحمتند.

اینها همه بجای خودش صبیح است باسقیم گمان میکنم مربوطه باصل موضوعی که بنده بواسطه آن مخالفت می‌کنم نیست.

البته باستی بقیصر و مستاصل رعایت کرد و البته آنگاه می‌هم که مستخدم دولت هستند باید خدمات خود را صادقانه انجام بدهند.

دولت هم باید حقوق صادقانه بآنها بدهد.

آنها صادقانه خدمت میکنند در عوض هم صادقانه حقوق بگیرند و امرار حیات میکنند لکن از اینها صادقانه تر آنهایی هستند که صادقانه زحمت میکنند و صادقانه پول می‌دهند و در مقابل نه صادقانه و نه کاذبانه بایشان چیزی داده نمی‌شود.

آنها بعقیده بنده استحقاقشان بیشتر است.

در هر صورت غرض بنده این است که کارها باید روی يك اصل مسلمی قرار بگیرد که همه‌مان تکلیف خود را بدانیم ومحتاج باین مخالفتها وموافقها نشویم.

بنده گمان میکنم قانون استخدام هم برای همین مقصود نوشته شد و بواسطه این قانون استخدام سالی کمتر از دو کرور بر این ملت تحمیل نمیشود آقایان به خاطر دارند اشخاصی که هیچجه تومان بیشتر نمی‌گرفتند يك مرتبه رفتند و حقوقشان سی و دو تومان شد.

رتبه دوم وسوم رسید به پنجاه شصت تومان.

کسانی که هشتاد تومان حقوق می‌گیرند يك مرتبه بدیوست و چهل تومان و صد و شصت تومان رسید.

ما هم گفتم چون دلمان میخواهد قانون داشته باشیم و کارهایمان يك نوانت و روی يك اساسی باشد.

ولوا اینکه دو کرور متضرر میشود عیبی ندارد ولی مبینیم هر چیزی که مطابقه کرد با قانون استخدام که البته قانون است هر کدامش مطابقه نکرد آنوقت يك لایحه پیشنهاد می‌شود و آنوقت ما در آن مخالفت وموافق که کردیم تصویب میکنیم یا رد

می‌کنیم.

بنده نمیدانم اینها از روی چه اصلی پیشنهاد می‌شود اگر از نقطه نظر اصل فقرو احتیاج و این اصل را مسلم می‌دانید با هم بگوئید ما هم بروی این اصل يك اشخاصی که نسبتاً احتیاجشان بیشتر است می‌آوریم و پیشنهاد می‌کنیم و اگر از روی يك اساس و ترتیب دیگری است آنرا هم بگوئید و در هر صورت بنده بدانم تکلیف چه چیز است و خود بخود نیایم اینجا مخالفت کنیم این آقایان صد و بیست و چهار تومان حقوق برایش معین شده.

بنده عرض می‌کنم اگر این مطابق با قانون استخدام است جزو بودجه بکنند بیآورند تصویب می‌کنیم و اگر مطابق نیست آنوقت چون در این جا می‌خواهند اخلاقاً این حقوق را برقرار کنند.

پس اشخاصی که بر طبق قانون استخدام ذی حق می‌شوند و اخلاقاً نباید زیاد تر ببرند از آنها بگیرند و اخلاقاً باین آقا بدهند.

اما اینجا با اخلاقاً بدهیم آنجا هم برخلاف اخلاق بدهیم آنکه نمی‌شود؟؟ جمع بین نفی و اثبات که نمی‌شود؟؟ علاوه بر این ما يك بودجه مسلمی داریم که بمجلس می‌آید و بنده می‌بینم در عرض سال هر روز يك لایحه مستمری و شهریه و حقوق و غیره می‌آید ما هم تصویب می‌کنیم.

آخر سال مبلغی مقروض میشود آن وقت باید راه برای جبران این قرض پیدا کنیم يك مالیاتی وضع می‌کنیم بلکه برای يك درد های بی درمانمان بدرد بخورد بایستی برای كسر بودجه‌مان مصرف کنیم.

بودجه چه چیز است؟ از بعضی بگیریم به بعضی دیگر بدهیم.

خیلی خوب.

بنده می‌گویم بگیرند و بدهید لکن يك کاری بکنید که هر چه می‌گیرید همان را بدهند دیگر طواری نشود که ما مجبور بشویم آخر سال دست دراز کنیم پیش دیگران و با کمال ذلت پول بگیریم و شیرینی بدهیم روی این اصل است که من مخالفم و الا میدانید در روز يك لایحه اینجا آمد مراجع بسهراب زاده مرحوم چنانچه بنده اطلاع حاصل کردم يك مرد خدمت گزار صالح درست صحیح العملی بود.

الانهم بیالاتش بریشانند معذالك بنده روی این اصل مخالفت کردم حالا هم روی این اصل مخالفت می‌کنم.

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - بنده تصور نمی‌کردم آقای کازرونی در این مورد مخالفتی بکنند برای اینکه اینمورد یکی از مواردی است که هر مبلغ وجهی را بمجلس تصویب کنند خیلی بجا وموقع است و بهترین طریق تشویق از برای صداقت وامانت در استخدام است و

برای اینکه سابقه خدمت مرحوم میرزا اسحق خان رهبر آقای کازرونی مسوق شوند و بدانند این آدم در دوره استخدام خودش دارای چه مقاماتی بوده است.

بالاخره در نتیجه وقتی که از دنیا میرود قریب هشت نفر نانخور بایک وضع یریشانی باقی می‌گذارد عرض میکنم این شخص در سنه هزار و سیصد و بیست و يك هجری در وزارت خارجه داخل خدمت شده است.

در همان سال بسمت اتا شاه زرنال قنصلگری تفلیس مأمور شده است بعد در سنه ۱۲۲۴ بسمت نیابت زرنال قنصلگری تفلیس منصوب شده است در سنه ۲۷ بسمت کارپردازی عشق آباد مأمور شده بعد از آن در همان سنه بسمت و پس قنصلگری کتبه مأمور شده در سنه ۲۹ کار گذار از گیلان شده در سنه ۳۰ کار گذار سیستان شده در سنه ۳۴ کار گذار قزوین شده است در سنه ۳۵ قنصل باد کوبه شده است باز در سنه ۳۵ از آنجا برگشته و کار گذار قزوین بوده است در ۳۶ بسمت ریاست دارالترجمه وزارت خارجه سمت کفالت اداره زوس ریاست کرده و بعد در همان سمت ریاست اداره دوم سیاسی را پیدا کرده بعد در همان سال سمت ریاست کمیسیون سرحدی شرفرادر داشته است و بالاخره در سنه ۴۲ سمت مدیریت کل وزارت خارجه راداشته است.

در نتیجه باینکه این مقامات راداشته است روزیکه از دنیا میرود علاوه بر اینکه يك مبلغی قرض میگردد و باید رفقا و دوستانش برای برداشتن جنازش کمک کنند.

قانون برای چه در مملکت وضع میشود؟

یکی از جهاتی که قانون وضع می‌شود و مخصوصاً قانون استخدام برای این است که اشخاصی که این مراحل را در دوره زندگی خودشان طی کرده‌اند (در صورتی که اگر اهل استفاده بودند میتوانستند يك اندوخته برای خودشان درست بکنند) و برآستی و درستی و صداقت خدمت کرده‌اند و از آنوخته بدارند فقط بهمان حقوقی که دولت بآنها میداده است اکتفا کرده‌اند.

قانون در این قبیل موارد باید از خدمتگزاری بصداقت وامانت تشویق کند.

بنابراین بنده تصور می‌کنم یکی از مواردیکه بجا وموقع پول داده خواهد شد همین مورد است و چنانچه در این ماده هم ملاحظه می‌فرمائید هشت نفر نانخور دارد و بعلاوه این يك چیز زیادی نیست و از اعتبار بودجه وزارت

نوشته بودند ایران باید طرز زندگی را عوض کند.

بنده معتقدم تمام معنی باید عوض کند نه اینکه بیکش راهوش کند بیکش راهوش نکند.

اولاً بنده باره آهن موافق هستم و باید هم موافق باشم و در این مجلس هم گمان نمی‌کنم مخالف داشته باشد.

در مملکت هم شاید مخالفی نداشته باشد از طرف دیگر در این که باید از اجناس که وارد مملکت می‌شود و مخارج و صواص هم کمتر باشد اگر دولت خواسته باشد يك حقی بگیرد و استفاده بکند ما بیشتر باید موافقت کنیم در این هم تردیدی نیست.

قندوش و کرجای که وارد می‌شود اگر صدی دو صدی سیصد هم برحق گمراگ آن اضافه می‌کردند بنده موافق بودم.

چرا چون یکشاهی خرج برای ما اضافه نمیکرد و همان مأمورینی که بودند می‌گرفتند.

بیشتر عدلی پنج قران می‌گرفتیم حالا باز در قران بگیرند بدم هم ضرر زیادی وارد نمی‌شود.

برای این که بطور غیر مستقیم کسانی که امتنه خارجاً استعمال می‌کردند يك پولی میدادند حالا بیکدوری بیشتر بدهند و چندان زاده نمیشود.

زیرا باین کرایه‌های گزافی که داده می‌شود پولی میدادند حالا بیکدوری بیشتر بدهند و چندان زاده نمیشود.

ولی ما بیک ورق تجدید می‌خوانیم ورق دیگرش را نمیبخوانیم مالانته های طرز جدید را که علماء امروز پسندیده‌اند میخوانیم وضع کنیم.

ولی آن مالیات های کثیف قدیم را می‌نویسیم و حق کنیم.

بنده با مالیات قندوش و شکر موافقم باره آهن هم موافق هستم و لایحه مخالفم بعلاوه يك عیبی دارد که نباید این لایحه هنوز در مجلس مطرح شود و نمی‌دانم آقای رئیس چه طور این قضیه را حل کرده‌اند این مسئله يك جنبه اقتصادی دارد فقط يك قانون مالیاتی نیست انحصار داران تجارت مهمی بخود دولت و بابت تکلیف گذاردن يك عده زیادی در این مملکت که گدائی نمی‌کنند و اسشان تا جرات ولی واقعا بدلال هستند این يك چیز خیلی ساده نیست که ما آنرا مالیات فرض کنیم.

این باید بکسیسیون فواید عامه برود و در اطراف مطالعه شود ببیند ضرر اقتصادی برای تجار دارد یا نه و تجار از کار بیکار می‌شوند یا نه؟

نمیدانم دولت چه فکری کرده.

این لایحه فقط جنبه مالیاتی نداشته که کمیسیون قوانین مالیه برقی بیک راه برتری تقدیم مجلس کرده است.

حالا آنموضوع را آقای رئیس لابد عمل می‌کنند.

حالا مطرح شده است. اولاً تجارت دولت بعقیده من در تمام دنیا ضرر دارد و آن نظریه که فلان سرمایه‌دار یا يك شركت برای تجارت دارد دولت آن نظر را نمی‌تواند داشته باشد.

دولت برای تجارت خرج زیادی می‌کند آنشکلی هم که مملکت باید منتفع شود نمی‌شود.

ما باید برای بیکار ها کار پیدا کنیم نه این که يك دسته هم که کار کسب دارند بیکارشان کنیم.

جمعیتی هستند که تجارت جای میکنند تجارت شکر میکنند آنگاه را دولت استفاده می‌کنند.

ما امتحان کردیم و دیدیم دولت آنحصار حمل و نقل تریاک را بخودش داد و يك زحمتی برای تجار درست کرد.

مال التجاره آنها دیر بمقصد میرسید کرایه زیاد از آنها مطالبه میکردند و همیشه عدم رضایت مردم از مالیات تجدید تریاک يك قسمتش برای همین تضییقاتی بود که اداره تردید می‌کرد و دولت حمل و نقل را بخودش انحصار بدهد.

تریاک مالیش را هم حمل و نقلش را را انبارداریش را هم دولت میخواسته به خودش انحصار بدهد و این مسئله تولید زحمت کرده بود من بقیه دارم اگر این مالیات بشکلی مرتب شود که هیچ وقت تولید زحمت و شکایت نکند عیبی ندارد ولی وقتی پنجاه هزار از کسی بخواهند بگیرند که چند روز وقت خودش را صرف کند صدایش بیرون می‌آید.

ولی اگر يك تومان بگیرند و این زحمت زانداشته باشد هیچوقت صدای مردم بیرون نمی‌آید.

دولتی خیال میکنند آقای شیروانی بودند يك لایحه تنظیم کردند که باید از اول سنه حاضر این اداره منحل شود چون تولید زحمت کرده بود.

خرج زیادی برای دولت داشت فایده هم نداشت.

این لایحه هم که حالا بمجلس آمد دولت خریداری و نگاهداری و انبارداری و حمل و نقل و صادر کردن همه چیز را و همه چیز را منحصر بخود کرد و بعقیده بنده این يك کار خوبی نیست و بمتنت مملکت نیست.

اول باید فهمید مالیات برای چه می‌گیرند؟

وجه جور باید بگیرند مملکت يك

مخارجی پیدا میکند.

شهر يك مخارجی پیدا میکند.

ایالت و ولایت يك مخارجی پیدا میکند.

و هم يك مخارجی پیدا میکند.

مخارج مملکت را باید اهل مملکت بدهند.

مخارج ده راهم باید اهل ده بدهند.

مخارج ایالت و ولایت را هم باید همان ایالت و ولایت بدهند.

اینرا هم تصدیق دارم که يك رشته راه راه آهن که در دودریای ما راهم متصل کند يك خرج مملکتی است و يك خرجی نیست که بگوئیم فقط کسانی که از این راه استفاده می‌کنند و در طرفین ایران واقع هستند بدهند یا کسی که مال التجاره او بواسطه این راه وارد میشود یا صادر میشود نفع و ضررش را متحمل شود.

زیرا اگر این راه يك اقتصادی تنها بود بنده متقد بودم که این مالیات برای اینراه غلط است و کسانی باید بدهند که از آن استفاده می‌کنند.

ولی چون در مملکت ما راه آهن نداریم و يك راه آهن که دو دریا را بهم متصل بکند.

انشعاب سیستمی هم روح از آن منتفع میشود باید خرج ساختن اینراه را او هم بدهد.

پس حالا که ما ملتفت شدیم این مالیات را امروز دولت پیشنهاد کرده در تمام چهار دوره پیش هم هر روز يك مالیاتی مطابق اصول امروزه پیشنهاد کرده ولی يك لایحه از طرف دولت در این چهار پنج دوره مجلس ندیده‌ایم که این مالیات های کثیف قدیمی را لغو کند ما يك زندگانی شتر مرغ بخود گرفته‌ایم از يك طرف می‌گوئیم مملکت ما این مالیات های جدید را لازم دارد.

از يك طرف می‌گوئیم ایران هنوز چوب و فلک و همان مالیات های سرشماری را باید داشته باشد.

بنده امروز رفته از اداره تقیبه صورت مالیات ها را گرفتم که بعضی آقایان برسانم ما که چهار میلیون و هفتصد هزار تومان و کسری مالیات اینجا دارم وضع می‌کنم در مقابل خوب است این مالیات های کثیف قدیمی را که از سیصد چهارصد هزار تومان تجاوز نمی‌کند لغو کنیم.

یکی از مشهورهایم گفت در دوره استبداد يك کس را جریمه میکردند صد تومان ازش می‌گرفتند بعد يك عیا باو بجلت می‌دادند او مرور میشد که اقلًا يك جا و خلقت داده‌اند.

شما هم در مجلس نشسته‌اید هی مالیات وضع می‌کند خوب است يك چهارم خلقت بدم بدهید مالیات هایی که این جامی و بسد سرانه خانواری در شماری بذرکاری گاو بندگی حق الارض.

مالیات صنعتی که صد و هفتاد و هفت قلم مالیات برای آنها معلوم شده است.

يك چیزهایی که حقیقتاً انسان خجالت میکشد ذکر کند.

اینها را بعنوان مالیات می‌گردنند صورت انواع مالیات ها که از دولت خواسته‌اند اینصورت ها را فرستاده مالیات داروفا گئی.

موضوع داروفا از بین رفته است مالیاتش هست.

احتساب اعطاس مالیات سیاره ها.

سیاره‌هایی که از افریقا بنا در جنوب می‌آمدند اینجا يك مالیاتی از آنها می‌گرفتند مالیات کله داری.

که تمام معنایش یکی است.

ولی با سامی مختلف این مالیات ها گرفته می‌شود.

مالیاتی مشتی دودن در بیلیم و بندرريك از هر ۲۷ من بار بیکه خالی می‌شود ۱ من برمی‌دارند.

این اسمش مالیات مشتی است.

رسوم سفره که در توپس کان معمول است.

خلعت بها. این مالیاتی است که در مازندران می‌گیرند.

پول روزنامه.

يك روزنامه در عهد استبداد بوده است و بدم تحمیل می‌شده است پولش هنوز از مردم گرفته می‌شود.

يك نفر از نمایندگان اینها از موضوع خارج است.

رسوم است وزیر و مستوفی های محلی.

رسوم تفنگچی گری. قراولی. باج قبلی. چوب داری. گوش خری حالا مالیات هائیکه مفتوح بر مالیات قانونی شده است يك مالیات تصدیق تریاک بیکروری از مجلس گذشته است و بعد آن هم منقذی شده است که باید دولت يك شکل دیگری پیشنهاد کند آنوقت يك مالیات دیگری هم بر آن اضافه شده است.

فروش شیر خودش يك مالیاتی پیدا کرده حق مهر خانه يك مالیاتی پیدا کرده.

انبارداری يك مالیاتی پیدا کرده.

تریاک مالی. در صورت تریاک مالی خودش يك کسب خفیی است ولی دولت انحصار بخودش داده و يك مالیاتی برای خودش پیدا کرده!!

حقوق معافیت از حمل تریاک و شیریه بایست.

معلوم میشود که هر کس باره بایست حمل کند اگر نخواست باید پول بدهد مخارج انبار موقت.

منشی گرفت بما هی پانزده تومان از صبح تا چهار ساعت از شب گذشته از اوکار می گیرد و بعد از سی سال خدمت کرد ممکنست حقوق او از پانزده تومان به بیست و پنج تومان برسد ولی نوکر دولت شاید شبانه روز بیشتر از یک ساعت کار نداشته باشد و بعد از سه سال ممکنست حقوقش بسجده و پنجاه تومان برسد مثلا دولت يك قسمت املاکی که در دو قتی دخل و خرجش را مقایسه میکند مبیند يك مبلغی نقصان دارد. یا اگر يك راهی دارد وقتی دخل و خرجش را مقایسه کنید می بینید یک چیزی هم کم دارد علاوه بر اینم می شود این تجارت کردیانه قند و شکر در ممالک مختلفه درست می شود از قبیل چین ژاپن هند و چین پاریس روم و سیس

بعضی از نمایندگان (با خنده) بویس کجاست؟ نمی دانید تقصیر من چیست. پاریس بلژیک مصر اینها نقاطی است که از آنجا قند و شکر وارد ایران می شود و در هر يك از این نقاط قیمت آنها اختلاف دارد مثلا کاهی شکر در چین ارزانتر و کاهی در ژاپن ارزانتر است و همچنین کرایه حمل و نقل هم اختلاف پیدا میکند در بعضی جا ارزان و در بعضی نقاط گران است علاوه يك درد دیگری هم مادرانم و آن تسعیر پول خارجه است مثلا کاهی قیمت یوندر پنج تومان است و کاهی قیمت دلار دوازده قران یا کاهی هشت قران است و این هم هست که بایستی آن پول را تسعیر کنیم يك چیز دیگر هم ما داریم و آن کرایه حمل و نقل ما است که گاهی از اینجا بشیراز پنجاه تومان است ممکن است بعد از دو ماه پانزده تومان مجموع اینها را که روی هم جمع میکنند می بینید چه اختلافاتی پیدا میکند آنوقت فرض کنید دولت يك قندی بقیمت معین از يك مملکتی خرید و پول آن راهم به قیمت تسعیر کرد و کلیه قندش يك من دو قران شد يك من يك تومان.

خوب حالا باید بدانیم يك تومان بفروشد آنوقت بواسطه همین ترتیب قیمت قند تنزل پیدا می کند ویک تاجری با اجازه دولت وارد می نماید و آن تاجر میفروشد هشت قران دولت میفروشد يك تومان آنوقت این کجا موافقت پیدا میشود. روزمهم همین طور خواهد بود برای اینکه شادتر طهران می بیند کاهی قند چهار تومان است کاهی دو تومان است. کاهی شانزده قران است شما خیال نکنید که تاجر دلش نمی خواهد همیشه قندش را چهار تومان بفروشد خیر کاهی قندی که دو تومان برایش وارد می شود مجبور می شود شانزده قران بفروشد یا چای که برای او پنج تومان وارد میشود سه تومان بفروشد ولی کاهی هم سه تومان وارد میکند و میفروشد شش تومان و این در اثر یک وضعیاتی است که طبیعی است

و جلوگیری از آن هم ممکن نیست و دولت نمیتواند با این اختلافاتی که هست قند را ارزان تر از آن قیمتی که برایش تمام شده بفروشد مگر يك طور و آن این است که دولت بیاید تجارت این قسمت را بخرد و انحصار بدهد و يك قیمتی هم برای تمام ایام سال معین کند. انحصار باین ترتیب ممکن است اما غیر از این ترتیب با آن اختلافات قیمت دنیا نسبت باصل قیمت نسبت بکرایه نسبت قیمت پول خرجی که تمام آنها هر روز تغییر و تبدیل است بعقیده بندهما اینترتیبات ممکن نیست این کار را کردیگر اینجاست دولت استثنائی قائل نشده است. می نویسد مگر پس از تحصیل اجازه وزارت مالیه و صدور این اجازه بدون هیچ نوع تبعیضی بعمل خواهد آمد اما بعقیده بندهما این بدون تبعیض در يك ماده دیگر لغو شده است برای اینکه در آن ماده می نویسد دولت مجاز است قند و شکر و چای را که بیش از احتیاجات مملکتی برای ورود به ایران حمل می شود خریداری نموده و اجازه ورود ندهد و این ترتیب نه تنها تبعیض آور است بلکه تصور می کنم موجب ایجاد يك رقابتهائی هم بشود و این رقابتهامم بالاخره منجر باین بشود که ما از کار بازمانیم در آن ماده می نویسد (بدون احتیاج) بنده نمی دانم این احتیاج را کی باید تشخیص بدهد؟ علاوه اگر آن ساعتی که من رفتم برای اجازه و گفتند آقا اجازه ها تمام شده است آنوقت بنده نمی دانم چه کار کنم تا اجازه بگیرم ولی ممکنست اجازه گرفت ولی شاید من دست رسی نداشته باشم پس اینترتیب هم برای ما ایجاد بدبختی می کند بنده برای اینکه مطلع را پیش خودم حل کنم و دیگر ممتناع نباشم باینکه قضایا در مجلس مطرح کنم در خارج با آقای مفسر مذاکره ای کردم. ایشان اظهار کردند در قسمتی که این استثناء گذائی را نوشته ایم برای اینست که اگر فرضاً يك کمیای برای يك مقصودی قند و شکر زیادی وارد کرد و ما تکلیف کرد بخیرید ما نمی توانیم بخیریم و پول ندهایم و این تکلیف فوق طاقات و تحمل ما است بنده عرض میکنم همانطور که در ماده دوم نوشته شده است پس از تصویب این قانون وارد نمودن خیرین نگاهداشتن انبار کردن تمام اینها ممنوع است مگر با اجازه دولت پس این تاجر داخلی یا خارجی که قند و شکر وارد کرده است باید از دولت اجازه دارد یا ندارد اگر اجازه ندارد چرا وارد کرده است برای اینکه حق ندارد غلط کرده است وارد کرده است و اگر اجازه دارد بسیار خوب بگذارد هر چه می خواهد قند و شکر وارد کند و حقن گمرکی اش را بدهد و آن حقوق انحصاری هم استفاده بکنیم آنوقت قند و شکر در مملکت وفور پیدا می کند و وقتی وفور پیدا کرد با ما هم قیمت يك تومان تنزل پیدا

می کند و پنجقران میشود بگذارید مردم بدبخت يك قند سبزی بخورند قند يك من يك تومان وارد کنند يك من هفت قران فروشد چشم من روشن. ولی کسی این کار را نمی کند کدام سبزی می آید اینکار را بکنند علاوه دولت هم تمهیدی ندارد که هر کس هر مقدار قند بدون اجازه وارد کرد باید بخرد خیر با اجازه وارد کردن قند سبزی وقتی وارد کرد باید حقوق گمرکی و انحصاریش را بپردازد.

ولی در اینجا بعضی نکات هست که من هم می دانم و حتی الاکان هم از اظهار آن خودداری می کنم لیکن برخلاف یکی از آقایان که اظهار می کردند بنده عرض می کنم که ما هم مجازیم. هم مختاریم. هم مستقیم هم می توانیم تعرفه گمرکی مان را تغییر بدهیم و هم می توانیم معاملات را به خودمان انحصار بدهیم و هیچ مانع و محظوری هم نداریم. دیگر از چیزهایی که در اینجا عنوان هست و سبب شده است که بنده در اینجا بعنوان مخالف اظهاراتی بکنم در قیاس قنای است که میگوید علاوه بر ضبط مال بایستی مساوی قیمت جنس هم جریمه بدهد و اگر چنانچه نتوانستند قیمت جنس را معین کنند باید جریمه اش کمتر از از پانصد تومان نباشد. بنده نمی دانم اینترتیب را از روی چه دلیل اصلی معین کرده اند. حالا اگر يك کسی جنس قاچاق وارد کرد چون جنس او را ضبط کردند دیگر از کجا بیارند که مساوی قیمت آن هم جریمه بدهد این اسباب تعجب من شده است دیگر این دولت در آن لایحه که تقدیم کرد همچو عنوان کرده است که پس از تصویب این قانون اگر چنانچه قندی تا پانزده روز بعد وارد شود یا اینکه معلوم شود که قبل از تصویب این قانون دستور خرید داده است آنها از این معاف است لیکن کمیسیون این راهم پذیرفته است و در راپورت خودش نوشته است که پس از تصویب این قانون به آن مقدار قندی که در مملکت موجود است کاری نداریم و آنچه بعد وادری شود مشمول این قانون است بنده گمان میکنم این اسباب خرابی مردم بشود زیرا شاید تجار از يك سال قبل باین طرف دستور العملهائی برای خرید قند و شکر و چای داده باشند و دولت می تواند اسناد را چه باین کار از آنها بخواهد و آنها را معاف کند و بنده چندان هم معتقد نیستم آنها را هم که بعد میاید کاملا آزاد باشد ولی لازم است نسبت به آن قسمتهائی که از سابق خواسته اند يك ترتیبی اتخاذ کردند آن هائی که بجزر گفتگوی این قانون المکرافتا یا کتابا دستور خرید بدهند اما آنها را که از يكسال پیش چهار ماه پیش دستور داده اند بیعانه فرستاده اند جنس او می آید و وارد سرحد گمرک می شود و برانش هم در بانک شاهنشاهی رهن است این شعبه

اگر رفت و پول نداد مالش بکلی از میرود و رشکست میشود در هر حال برای این کار باید يك فکری کرد یعنی همانطور که خود دولت در لایحه اش نوشته بود که که پانزده روز بعد از تصویب این قانون وارد شود معاف باشد و اگر این را قبول نمی کنند پس يك قنای بگذارند که با دادن يك مبلغی زیاد هم نباشد هر چه وارد میشود دولت به صاحب مال بدهد و جنس را تصرف کند که جنس در گمرک نماند و اسباب خانه خرابی برای مردم نشود این روز عرایض بنده در کلیات و بقیه عرایض خود را در موقع شور در مواد عرض خواهم کرد وزیر فواید عامه نظر باینکه برخلاف عقیده نماینده محترم که در اینجا اظهار می کردند بنده شور در کلیات را بخون در مستقیم این است که مخالف یا موافق بگویم انحصار قند و شکر و چای مقتضی است به مدرس این حق و کیل است وزیر فواید عامه بنده هم تقاضای حق و کیل را بگیرم ولی این را برای اینست در مقابل آن اظهارات ایشان منم بخواهم بندهم میخوام عرض کنم لهذا قسمت اعظم جواب اعتراضات آقای کازرونی را موقع خودش میگفتم و در موقعی که مواد شور می شود عرض میکنم فعلا که بجواب اعتراضات نسبت به کلیات لایحه من غیر مستقیم هم بیکی دوقره جوابی که مربوط بمواد باشد مبادرت میکنم از آن بندهم عرض می کنم که عرض میکنم که خواست آقایان نمایندگان محترم این مالیات را يك مالیات داخلی خیلی ساده فرض کنند و هیچ نوع توجه ذهنی موضوع دیگری پیدا نکنند بلکه يك مالیاتی است داخلی و هر دولتی دارد بر هر چیزی در داخل مملکت خودش مالیات انحصاری وضع کند و ما نباید هیچ نوع تشویق ذهنی داشته باشیم و نه بکنیم و نه باشا و حرفی بزنیم برای اینکه يك مالیات داخلی ساده است در ضمن اعتراضاتی که باین لایحه میشود آقای حائری زاده هم يك اعتراضی فرمودند و جواب ایشان داده نشد و بنده مجبورم جواب ایشان را عرض کنم ایشان فرمودند در مقابل ما جدیدی که وضع میشود چرا يك مقدار مالیات های قدیم (که باسم کنیف هم خوانده می شود) نمی شود معضتند که خاطر ایشان هم میبکند از نقطه نظر مالیات های قدیمه این مالیات مثل این است که وجود خارجی ندارد و نمی شود چرا بجهت این که اگر این مالیات برای مخارج عمومی مملکت وضع میشود مستلزم این بود که در مقابل تصویب آن تقاضای القاء مالیات های قدیمه بشود اما این مالیات برای خرج بخصوصی وضع میشود بنابراین مخارج و احتیاجات عمومی مملکت بجای خود باقی است هر وقت يك لایحه را

بنابراین مخارج عمومی مملکت بجهت شورای ملی تقدیم شد آقای حائری زاده حق خواهند داشت بفرمایند که در مقابل تصویب آن لایحه افلاکی از مالیات های گذشته حذف و بارج و تعدیل بشود اما اگر مجلس شورای ملی تصویب میکند که هوای از طریق انحصار قند و چای برای مخارج مخصوصی از قبیل راه آهن و سایر کارها برقرار شود از تصرف کند که جنس در گمرک نماند و اسباب خانه خرابی برای مردم نشود این روز عرایض بنده در کلیات و بقیه عرایض خود را در موقع شور در مواد عرض خواهم کرد وزیر فواید عامه نظر باینکه برخلاف عقیده نماینده محترم که در اینجا اظهار می کردند بنده شور در کلیات را بخون در مستقیم این است که مخالف یا موافق بگویم انحصار قند و شکر و چای مقتضی است به مدرس این حق و کیل است وزیر فواید عامه بنده هم تقاضای حق و کیل را بگیرم ولی این را برای اینست در مقابل آن اظهارات ایشان منم بخواهم بندهم میخوام عرض کنم لهذا قسمت اعظم جواب اعتراضات آقای کازرونی را موقع خودش میگفتم و در موقعی که مواد شور می شود عرض میکنم فعلا که بجواب اعتراضات نسبت به کلیات لایحه من غیر مستقیم هم بیکی دوقره جوابی که مربوط بمواد باشد مبادرت میکنم از آن بندهم عرض می کنم که عرض میکنم که خواست آقایان نمایندگان محترم این مالیات را يك مالیات داخلی خیلی ساده فرض کنند و هیچ نوع توجه ذهنی موضوع دیگری پیدا نکنند بلکه يك مالیاتی است داخلی و هر دولتی دارد بر هر چیزی در داخل مملکت خودش مالیات انحصاری وضع کند و ما نباید هیچ نوع تشویق ذهنی داشته باشیم و نه بکنیم و نه باشا و حرفی بزنیم برای اینکه يك مالیات داخلی ساده است در ضمن اعتراضاتی که باین لایحه میشود آقای حائری زاده هم يك اعتراضی فرمودند و جواب ایشان داده نشد و بنده مجبورم جواب ایشان را عرض کنم ایشان فرمودند در مقابل ما جدیدی که وضع میشود چرا يك مقدار مالیات های قدیم (که باسم کنیف هم خوانده می شود) نمی شود معضتند که خاطر ایشان هم میبکند از نقطه نظر مالیات های قدیمه این مالیات مثل این است که وجود خارجی ندارد و نمی شود چرا بجهت این که اگر این مالیات برای مخارج عمومی مملکت وضع میشود مستلزم این بود که در مقابل تصویب آن تقاضای القاء مالیات های قدیمه بشود اما این مالیات برای خرج بخصوصی وضع میشود بنابراین مخارج و احتیاجات عمومی مملکت بجای خود باقی است هر وقت يك لایحه را

آنوقت دولت هم اعتبار داشته باشد و هم وسیله داشته باشد تا وقتی که این بایکوت عملی آنها را بشکند و هم انحصار و هم انبار کردن و هم خرید و فروش را اداره کند این اعتبار را خواسته است و این اعتبار اعتبار احتیاطی است و حتماً لازم است زیرا اگر این پیش بینی از طرف دولت نشود ممکن است بر حسب تباہی از طرف یکمده تاجر قند فروش چای فروش این انحصار لغو شود بنابراین هر اعتباری هم مستلزم خرج نیست ممکن است دولت يك اعتباری را بگیرد و بعد هم از آن اعتبار بایک مبلغ کمی خرج کند یا اصلا هیچ خرج نکند و هر لایحه بودجه هم مستلزم لایحه تفریح بودجه است که آخر سال در ضمن محاسبه معین خواهد شد پس نه این اعتراض وارد است و نه ضرری بتجارت قند نه ضرری بتجارت چای می شود و نه سلب آزادی تجارت قند و چای میشود جریان عملی این انحصار همین است که عرض کردم. یکی از آقایان نمایندگان محترم در ضمن مخالفت در کلیات اظهار عدم اعتماد فرمودند باین که خود يك بولی تهیه میشود و بعد هم معلوم نیست به چه مصرفی برسد بنده تصور میکنم وقتی در ماده نهم این لایحه نغمه می خورد

زیرا که در ماده ۹ اگر ملاحظه بفرمائید خواهید دید که تمام عواید را تخصیص می دهد برای مخارج معینی و خرج دیگر از این محل و از این عواید متنوع و متنوع برد

بنا بر این نهایت آزادی را ندارد و هیچ سگت بتجارت وارد نمیشود این نکته لازم بود در اینجا تصریح شود که دولت در نظر ندارد بتجارت بگوید شما بروید حجره های خودتان را ببندید و حق تجارت ندارید و من در حجره شما يك نفر نماینده می گذارم پس بتجارت قند و چای فروش که کافی السابق قادر خواهند بود که تجارت خودشان را بکنند.

حاج حسن آقاملک - پس این مقصد هزار تومان برای چیست وزیر فواید عامه - آقای می پرسند پس مقصد هزار تومان برای چیست عرض می کنم این مبلغ يك اعتبار احتیاطی است که اگر یکمده تجار تباہی کردند ما باین خودشان و گفتند خیلی خوب مانمی خواهیم مقررات انحصار را اجراء بشوم برای این که عملاً مانع از اجرای انحصار بشوند

و حالا دیگر نظری است که خود دولت قبول کرده است و این نظر چرا برای دولت حاصل شد چون ما دیدیم هنوز که این قانون نگذشته گمانیکه علاقمند بتجارت قند و چای و شکر هستند از آن مقدار زیادی قند و شکر و چای وارد میکنند و باین جهت برای اینکه لااقل تمام عواید یکساله این لایحه از دست نرفته باشد ما تر جیب دادیم مدت را کم نکنیم. و از روز تصویب این قانون قرار بدهیم ولی متأسفانه در گذشته این لایحه تأخیراتی حاصل شد و مقادیر زیادی بدون تأدیبه حق دولت قند و شکر و چای وارد این مملکت شده و اینهم فایده اش معلوم نمی رسد و فقط فایده اش غایب چند نفر تاجر قند و شکر می شود و بالاخره برای منافع چند نفر تاجر قند و چای فروش ارزش ندارد که ما عاید یکساله این لایحه را از دست بدهیم جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی حاج حسن آقاملک - کافی نیست شما هم حق ندارید بتجارت توهین بکنید تجار سقط فروش مردمان معتر می هستند رئیس - رأی می گیریم آقایانی که مذاکرات را کفافی می دانند قیام فرمایند (عده کثیری قیام نمودند) رئیس - اکثریت است. رأی می گیریم برای شور در مواد آقایان موافقین با شور مواد قیام فرمایند (عده کثیری قیام نمودند) رئیس - تصویب شد. چند دقیقه تنفس داده می شود (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید) رئیس - خیر کمیسیون بودجه راجع به مستخدمین امریکایی حاضر است اجازه میفرماید مطرح شود جمعی از نمایندگان - صحیح است رئیس - چهار ماده مراجع شده بود به کمیسیون ماده ۱۰ جدید از قرار است که قرائت می شود (بشرح ذیل قرائت شد) رئیس نهادت آقایان نمایندگان محترم که در مجلس قابل توجه شده بود در کمیسیون بودجه مطرح و اثر آن را بشرتیبی که در کمیسیون اصلاح شده است تقدیم مجلس مقدس می نماید ماده ده - حقوق مستخدمین امریکایی که تحت مقررات این قانون استخدام می شوند همه ماهه در پانزدهم همان ماه ارفقار دلاری یکشومان پرداخته خواهد شد

رئیس - آقای تدین (اجازه) رئیس - آقای تدین دست غیب - موافقم رئیس - آقای رضوی (اجازه) حاج میرزا عبدالوہاب رضوی - بنده آن روزمهم عرض کردم امروزمهم عرض میکنم همان طوریکه آن روز آقای معاون وزارت مالیه دفاع کردند که اینها مطابق دلار يك مخارجی در مملکت خودشان معین میکنند و این جامی آیند بندهم از این نقطه نظر عقیده دارم دلار باید بترخ روز باشد برای این که اینها می خواهند دلار بملکت خودشان بفرستند حالا اگر پانزده هزار دلار بفرستند دلار را در صورتیکه دوازده قران حساب کنیم هزار و دویست تومان می شود و اگر دلار بیک تومان باشد هزار تومان می شود و آنوقت از هزار دلار اینها کسر می آید لهذا بنده عقیده ام اینست که باید دلار بقیمت روز معین کرد که هم تکلیف دولت و هم تکلیف آنها معین باشد مرتضی قلیخات بیات منشی کمیسیون در جلسه قبل در این زمینه مذاکرات زیادی شد و بالاخره پیش نهادی که در مجلس توجه شد اینست که دلار بیک دلار معین پیدا کند بیول ایران و از روی پول ایران پرداخته شود و همین پیش نهاد در مجلس قابل توجه شد و بیکمسیون مراجع شد کمیسیون هم با نظریه و رأی که داده بود موافقت کردند که دلار بطور ثابت باشد و همیشه از قرار يك تومان پرداخته شود و همین پیش نهاد در مجلس قابل توجه شد و بیکمسیون مراجع شد کمیسیون ماده ۱۰ جدید از قرار است که قرائت می شود (بشرح ذیل خوانده شد) ماده ۱۱ - در آخر قسمت ج ماده ۱۱ عبارت ذیل اضافه می شود ولی در ایام مرض زاید بر ایام مرضی که قانوناً استفاده داشته است پیش از دو ماه حق اخذ حقون نخواهد داشت. رئیس - آقای کازرونی (اجازه) رئیس آقای تدین موافقم تدین - موافقم

رئیس - آقای رضوی
 حاج میرزا عبدالوهاب رضوی - مرضی ندارد
 رئیس - رأی می گیریم باین قسمت آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد
 رأی گرفته می شود چهار قسمت اول ج . ده ماده ۱۱ می شود آقایان موافقین قیام فرمایند
 رئیس - تصویب شد
 ماده ۱۴ - (اینطور قرائت شد)
 ماده ۱۴ - بوزارت مالیه اجازه داده می شود ماده در هریک از کتاتهای مستخدمین که بموجب این قانون استخدام می شوند در جرم مفاد ماده مزبوره این خواهد بود که دولت بموجب بیست و نهاد رئیس کل مالیه ایران می تواند در هر موقع با پرداخت يك از کتات های مزبوره را لغو نماید
 این ماده شامل اشخاصی که مشمول مواد ۱۳ و ۱۱ می شوند نخواهد بود
 رئیس - آقای تدین
 تدین - موافقم
 رئیس - آقای آسید یعقوب (اجازه)
 آقا سید یعقوب - بنده باز آن مرضی را تعقیب میکنم
 حالا قبول هم نمی شود بنده میخواهم عرض کنم که رئیس کل مالیه با اینکه مطابق آن قانون مشول وزیر مالیه است ولی بنده می خواهم يك چیزی در اینجا نوشته شود باشورت و موافقت وزیر مالیه باشد که رئیس مالیه خودش فی حد نفسه بدون مشورت اینکار را نکند
 رئیس - آقای تدین (اجازه)
 تدین - بنده تصور میکنم که این عبارت اگر باین ترتیب بگنند بهتر باشد از آن چیزی که ایشان می فرمایند برای این که اینجا اینطور است
 مفاد مزبور اینطور خواهد بود که دولت بر حسب بیست و نهاد رئیس کل مالیه ایران می تواند الی آخر
 بنا بر این ارجاع بدولت می شود اگر دولت مصلحت دید انجام خواهد داد و الا فلان .
 جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
 رئیس - رأی می گیریم بماده چهاردهم آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند
 (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد
 ماده پانزدهم (بشرح ذیل قرائت شد)
 در ماده ۱۵ بیست و نهاد آقای مساوات راجون کمیسیون توضیح واضح می دانست لهذا ذکر آن را لازم ندید
 رئیس - آقای تدین (اجازه)
 تدین - بنده با رأی کمیسیون موافقم
 رئیس - آقای مساوات (اجازه)
 مساوات - در قانون حکمیت که سابق گذشته است راجع به ما کمین قراردادها اند که حکم حکما قطعی است
 ولی مربوط بدانند در نمی شود اگر آن حکمیت شامل این جا هم بود دیگر لازم نبود اینجا این ترتیب قید شود بنا بر این لازم است در اینجا قید کنند که حکم حکما قطعی است
 و اگر قید نکنند و مسکوت عنه بماند معلوم نمی شود حکم قطعی است یا نه و آن وقت آن شخص محکوم حق اعتراض دارد ممکن است تقاضای تجدید نظر نماید
 رئیس - آقای تدین (اجازه)
 تدین - بنده گمان میکنم در اینجا از دنیا معتقد باشند که حکم حکمیت قطعی نیست
 حکم حکم هم جا قطعی است و استیناف و تمیزند در علاوه این عبارتیکه در اینجا نوشته مقصود آقا را تأمین میکند
 می گوید : به حکمیت حل خواهد شد مسئله حل معنایش این است که قطعی است و این عبارت را اگر اینجا بنویسیم علاوه بر اینکه توضیح واضح است ممکن است تولید معایبی هم بگند
 رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
 آقا سید یعقوب - در اینجا آن روز مخبر این کلمه را قبول کرد که تفسیر برداشته شود و آقای وزیر هم قبول کردند حالا همینطور بطور مطلق میخوانند بنده میخواستم عرض کنم که در کمیسیون نسبت به عطف کلمه تفسیر چه نظری اتخاذ شده است .
 هر رضی قلی خان بیگ - تفسیر را اگر مجلس قبول کرده است نظر کمیسیون هم همانست و در این باب در پیشنهاده آقای مساوات مذاکره شده و فقط راجع به نقطه نظر اینکه آن بیست و نهاد توضیح واضح بود کمیسیون ذکر آنرا لازم ندانست
 رئیس - بلی تفسیر را بنام حذف کنند و دولت هم قبول کرد

(پیشنهاد آقای آقا میرزا شهاب بشرح ذیل قرائت شد)
 بنده پیشنهاد می کنم در ماده پانزدهم قبل از سطر سوم جمله ذیل اضافه شود (غیر از مورد تشخیص اختیارات) **آقای میرزا شهاب** - این يك موضوعی بود که بنده میخواستم در کمیسیون بودجه عرض کنم
 ولی نظر باینکه مجلس تشکیل شده بود و میخواستم برای قرائت صورت جلسه حاضر شوم وقت نشد .
 البته مسئله تشخیص اختیارات مستخدمینی که دولت کتات می کند با دولت است . ما باستی در تشخیص اختیارات آنها حاضر نشویم که تشخیص اختیارات هم به حکمیت مراجعه شود این است که بنده پیشنهاد کردم این عبارت (غیر از مورد تشخیص اختیارات) در ماده اضافه شود و سایر قضایا بحکمیت حل شود
وز مالیه - در جلسه گذشته بنده عرض کردم که دولت مخالفتی ندارد
بیات - بنده هم قبول میکنم
 رئیس - پیشنهاد آقای شبروانی (بعضون ذیل خوانده شد)
 بنده پیشنهاد می کنم سطر آخر ماده پانزدهم اینطور اصلاح شود :
 سر حکم را دیوان عالی تمیز معین خواهد نمود
 رئیس - این در جلسه گذشته پیشنهاد نکردم . در جلسه گذشته بنده يك ماده را پیشنهاد کردم بجای این ماده و تجدید نظر را بنده پیشنهاد کردم که از دیوان عالی تمیز بخوانند
 اصلا موضوع بکلی فرق داشت راجع باین جمله بنده در خارج هم با بعضی از آقایان نمایندگان صحبت کردم و غالباً اظهار موافقت می فرمودند برای اینکه بالاخره حکمین را گفتم بنظر آزاد طرفین بگذاریم
 ولی بالجمله در این مطلب که سر حکم را وزیر مالیه با موافقت رئیس کل مالیه معین خواهد نمود همانطور که در جلسه گذشته یکی از نمایندگان توضیح دادند ممکن است همچوقت حاصل نشود و سر حکم را بالاخره یکطرف معین کند
 حالا بنده عرض نمیکنم که حتماً سر حکم را رئیس مالیه معین میکند ممکن است چون موافقت حاصل نشود بالاخره یک نفر معین کند یا اینکه اصلا سر حکم معین نشود
 بواسطه اینکه موافقت راجع بتمین سر حکم همچوقت حاصل نخواهد شد و این معایب خاتمه پیدا نخواهد کرد این است که بنده پیشنهاد کردم سر حکم رابه يك محکم صالح داخلی خودمان که دیوان

عالی تمیز باشد ارجاع کنند و حکم طرفین خودشان معین کنند
 دیگر بسته است بنظر آقایان
 رئیس - آقایانی که این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده قلیبی قیام نمودند)
 رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای یاسائی
 (باین ترتیب قرائت شد)
 راجع بماده (۱۵) بنده پیشنهاد می کنم پیشنهاد آقای مساوات اینطور اصلاح شود .
 (حکم حکم قابل شکایت نیست)
یاسائی - اگر آقایان مراجعه کرده باشند بقسمت آخر قانون ما کتات عمومی در آنجا در يك مواردی حکمیت باطل است و حکم حکم قابل شکایت است در این مورد هم ممکن است طرفین قضیه با یکطرف از حکم حکم نوشته شود حکم قابل شکایت نیست و ضمیمه ماده شش دیگر بسته است نظر آقایان
 رئیس - آقای شاهزاده فیروز میرزا (اجازه)
 فیروز میرزا - بنده در این موضوع که آقای یاسائی فرمودند تصدیق میکنم که يك مواردی در قانون اصول معاکمان حقوقی پیش بینی شده است
 که از حکمیت میشود يك شکایت کرد و چنانچه خودشان میدانند و تصدیق می کنند
 آن موارد راجع باصل حکمیت و موضوع حکمیت نیست
 راجع بيك شرایط و ترتیباتی است که اگر آن شرایط اجرا شود میشود شکایت کرد
 که این حکمیت صورت قانونی ندارد و این ماده بترتیبی که نوشته شد هیچ ضرری ندارد
 که ما بدون اینکه این مسئله را ذکر کنیم بگذاریم که برای اینکه حکم درست بشود
 اگر یکطرف خواست مراجعه بقانون ما کتات حقوقی بکند
 این ترتیب هم ممکن است ولی بشرط ما است
 برای اینکه آن شکایتها يك چیزی نیست که حکمیت را از بین ببرد یا بتأخیر بیندازد
 اینها يك مسائلی است که زود میشود رفع کرد و اگر يك همچو چیزی پیش بیاید خود آقای یاسائی تصدیق خواهند کرد که بمنفعت ما است
 رئیس - این پیشنهاد جدیدی نیست رأی قطعی درش می شود گرفت در موقتی که میخواهم بماده پانزدهم رأی بگیریم در این خصوص رأی می گیریم قیلا پایه

تکلیف پیشنهاد آقای طهرانی معین بشود
 (بشرح ذیل قرائت شد)
 بنده پیشنهاد می کنم از هر گاه تراضی در تعیین سر حکم الی آخر حذف شود
آقا شیخ محمد علی طهرانی - البته آقایان می دانند که حکمیت بدو طریق است
 یکطرف این که متجا کمین دونفر را رامین می کنند و خود آنها هم يك سر حکم معین میکنند
 این یکطرفه است که در اصول معاکمان حقوقی هست و طرفه هم که در اروپا معمول است همین شکلی است که در اینجا نوشته شده که بيکی مدعی و بيکی هم مدعی علیه حکم معین میکنند و آن دونفر مختارند که بروند در خارج و بيك حکم ثالث معین کنند و دیگر در هیچ قانونی نوشته نشده است که اگر دو سر حکم معین کنند و این احتمال هم باز می آید که شاید بین آن دونفر دومی و سومی اتفاق حاصل نشود اینچاهم ممکن است بین وزیر مالیه و رئیس کل مالیه اتفاق شود وقتی نشد آنوقت مثلا بيك نفر از فرانسه بيك نفر از انازونی معین شوند که در خارج بنشینند و بيك سر حکم معین کنند
 اگر نشد بيك نفر از بلژیک و بيك نفر از آلمان معین کنند که بنشینند و سر حکم معین کنند
 اگر نشد همینطور الی آخر از این جهت بنده پیشنهاد میکنم این عبارت حذف شود برای اینکه آن فلسفه که آوردند در اینجا آن فلسفه غلط است
 رئیس - ماده پانزدهم به قسمت تقسیم میشود . قسمت اول قرائت میشود و رأی می گیریم
 (اینطور خوانده شد)
 ماده پانزدهم - هر اختلاف نظری که بین دولت ایران و بيکی از مستخدمین آمریکائی که بموجب این قانون استخدام شده است در ضمن اجرای کتات او غیر از مورد تشخیص اختیارات تولید کرد و بطور خصوصی رفع نشود بحکمیت حل خواهد شد
 بدین طریق که وزارت مالیه مستخدم مزبور هر کدام يك یا دو نفر حکم معین خواهند کرد و سر حکم بتراضی حکم ها معین خواهد شد
 رئیس - رأی می گیریم باین قسمت آقایان موافقین قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد
 قسمت دوم را باید رأی بگیریم که آقای طهرانی پیشنهاد کرده بودند حذف شود و هر گاه تراضی در تعیین سر حکم بعمل نیاید سر حکم را وزیر مالیه با موافقت رئیس کل مالیه معین خواهد کرد .
 رئیس - آقایانی که این قسمت را تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)
 رئیس تصویب شد
 رأی می گیریم بقسمت سوم پیشنهاد آقای یاسائی
یاسائی - بنده استرداد میکنم رئیس - رأی گرفته می شود بمجموع دو قسمت آقایان موافقین قیام فرمایند (عده کثیری قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد
 ماده الحاقیه پیشنهاد آقای شوشتری (اینطور قرائت شد)
 پیشنهاد می کنم بماده (۱۶) اضافه شود :
 در صورت تخلف مستخدمین از شرایط فوق حق استفاده از حقوق بقیه مدت استخدام بهیچ عنوان نخواهد داشت
 رئیس - آقای شوشتری (اجازه)
آقا سید محمد علی شوشتری - ماده را که آقای شریعتمدار پیشنهاد کرده بودند بنده تصور کردم که کمیسیون قبول کرده است و در صورتی که قبول کرده باشد آنوقت این اضافه را بعقبه بنده لازم دارد
 هر رضی قلی خان بیگ - ماده ۱۶ یعنی ماده الحاقیه را که آقای شریعتمدار پیشنهاد کرده بودند از طرف کمیسیون قبول شده است
 رئیس - بترتیب ذیل خوانده شد)
 ماده ۱۶ - هر يك از مستخدمین آمریکائی باید تعهد کنند که از مداخله در امور مذهبی و سیاسی و تصدی کسب شخصی و مکاتبه با مأمورین خارجه اجتناب نمایند .
 رئیس - مخالفی ندارد؟
 (گفته شد خیر)
 رئیس - رأی می گیریم بماده شانزدهم بترتیبی که قرائت شد آقایان موافقین قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد . آقای شوشتری (اجازه)
آقا سید محمد علی شوشتری - بنده از الزام و شرط حتی تعهد و تقبل بدون وجود تالی باطلی قائل نیستم و ابتدا آن الزام و شرط را صحیح میدانم يك الزام و شرطی میکنند که اگر تخلف

کردند چه می شود
 مثلا اگر مداخله کردند در سیاست آنوقت چه باید بشود؟
 لهذا بنده پیشنهاد کردم که اگر از این ماده ۱۶ تخلف کردند از حقوق بقیه مدت استخدام متخلف حق استفاده ندارد
 دیگر بسته است بنظر آقایان
هر رضی قلی خان - بنده گمان میکنم در ماده ۱۳ که می نویسد هر گاه مستخدمین از انجام وظایف خود کوتاهی یا مسامحه کنند کتات آنها فسخ میشود این نظریه آقا را تأمین میکند زیرا اینهم بيکی از وظایف آنها میشود و اگر قصور کردند کتات فسخ خواهد شد و مخارج معاودت و غیره هم بایشان داده نخواهد شد
 رئیس - رأی می گیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمایند .
 (عده قلیبی قیام نمودند)
 رئیس - تصویب نشد . مذاکرات راجع بکلیات است . آقای رضوی (اجازه)
حاج میرزا عبدالوهاب رضوی - در ماده شش آقای مساوات وزارت مالیه آن روز فرمودند که دکتر میلسو مخارج با این ترتیب ملت اینکه برای مخارج آمدن هریک از آنها دو هزار و هشتاد تومان بدهیم بنده نمی دانم جهتش چه چیز است
معاون وزارت مالیه - نظر باینکه در اینجا راجع بخارج مسافرت مذاکره شد بنده عرض کردم مخارج کشتی و اتومبیل و غیره آنچه اطلاع پیدا کرده ام در حدود هشتصد تومان است و البته بیش از هزار دلار مخارج يك نفر نمی شود
 ولی ما میدانیم مستخدمینی که کتات می شوند ممکن است عیال و اولاد هم همراه داشته باشند و این خرج بیشتر شود
 بنابراین فرض در کمیسیون بودجه هم مذاکرات شد و میزان متوسط را در حدود آن مبلغ قرار دارند که در راپرت است جمعی گفتند - مذاکره کافی است
 رئیس - باید رأی گرفته شود با ورقه بخبر کمیسیون بودجه که مشتمل بر شانزده ماده است
 آقایان موافقین ورقه سفید و الاورقه کبود خواهند داد
 (اغذ و استخراج آراء بعمل آمده نتیجه اینطور حاصل شد)
 عده حضار ۹۵
 ورقه سفید علامت قبول ۷۱
 رئیس - عده حضار ۹۵ با ۷۱ رأی تصویب شد

اسامی رأی دهندگان
 آقایان : سالار اشرف . افشار . آقا میرزا شهاب الدین . آقا شیخ جلال الدین . آقا شیخ هادی . آقا میرزا سید احمد . احتشام الحکماء . ضیاء الاطباء . سهرابخان فتح الله میرزا . آقا میرزا عبدالله . متمد . آقا میرزا جواد خان . سردار عشار . حاج میرزا رضا شریعتمدار . نظام التولیه . شوشتری سرکشیک زاده . مساوات . بین الملک . مقوم الملک . رهنا . اخگر . شاهزاده سلیمان میرزا . اعتبارالدوله . سردار فاخر . مستوفی العمالك . مشیرالدوله . سردار منتصر . دو . آبادی . علانی . صاوتی . دیوانبیکي . کی استوان . معظم السلطان . ارباب کبیر و یاسائی . تدین . آقا میرزا عبدالله خان . حاج شیخ عبدالرحمن . اجیاء السلطنه . ایزدی . مفتی . شریعت زاده . حاج میرزا اسدالله خان صدر الاسلام دیبا . دکتر امیر خان اعلم . قائم مقام حاج میرزا احمد رضا . دست قیب . حاج میرزا علیرضا . سهام السلطان . تجدد . روحی . صدرائی . سهراب زاده . وحید . الدوله . مدرس . حایم . نجات . قوام الدوله . ضیاء الملک . امین الشریعه . امیر احتشام . معاضد السلطنه . ملک التجار . آقا سید ابراهیم زهیم . ناصر الاسلام فیروز میرزا . آقا میرزا سید حسن کاشانی . آقا میرزا باقرخان . رئیس - آقای طهرانی . (اجازه)
آقا شیخ محمد علی طهرانی - چون حالا وارد در دستور نمی شویم بنده خواستم آقایان معترم را تذکر بدهم بحدیثی که در این ایام نسبت بتبریز از سیل پیداشده .
 یارسال که سیل آمده بود تقریباً يك معله شهر را خراب کرده و اتفاقاً در این چند روز سیل بر برگی آمده و معله مار الان را که از محلات عالی تبریز است خراب کرده و اکثر از خانهای شهر را آب گرفته و خسارت زیادی بر اهالی وارد آورده خواستم تقاضا کنم در این موقع که هیئت دولت هم تشریف دارد بيك عطف توجهی نسبت بتبریز بکنند و بيك سیل گیری تهیه نمایند که اسباب این همه صدمه نشود و همچنین نسبت باشخاصی که بریشان شده اند مساعدت بکنند
 رئیس - جلسه آتیه روز پنجشنبه دستور هم لایحه قند و شکر
آقا سید یعقوب - لایحه القاء پوست بره جزء دستور هم بود اشکالی هم ندارد استدعا می کنم برای جلسه آتیه در اول دستور مطرح شود .
 (جلسه نیساعت بمد نظر ختم شد)
 رئیس مجلس مقدس شورای ملی - حسین پیرنیا
 منشی - م شهاب
 منشی - دکتر احتشام طباطبائی